

سرمقاله

وصال روحانی

من آنم که رستم بود پهلوان

حجت کریمی، سرپرست موقت «استقلال» دوشنبه شب در مصاحبه ای تلویزیونی چنان سخن سرایی کرد که تنها منجی این باشگاه خود اوست و مدیران قبل از وی کم لطفی کرده و فقط آبی‌ها را تخریب کرده‌اند. کریمی ظاهراً سابقه برخی کارهای اجرایی را در ورزش کشتی دارد اما تخصص و اهلیت او در فوتبال اگر از هواداران بی‌شمار استقلال کمتر نباشد، یقیناً بیشتر هم نیست. البته در میان مدیران سابق استقلال تعدادی فقط هزینه‌تراشی کرده و از شهرت حاصل از ایام حضورشان در این باشگاه پلی برای رسیدن به پست‌های بعدی خود که مهم‌تر از جایگاه‌شان در استقلال بوده، ساخته‌اند اما استقلال گاه امثال کاظم اولیایی و محمدحسین قریب را هم در رأس تشکیلات خود دیده که به این باشگاه خدمت کرده و برخی خاطرات خوش را بر جای نهاده‌اند.

کریمی در مصاحبه مورد بحث با آب و تاب از حل مشکل آندره‌آ استراماچونی گفت و آن را به خود نسبت داد حال آنکه حلال مشکل مثل معمول وزارت ورزش بود که ریش‌گرو گذاشت و از یک بانک پرامکانات کشور درخواست کرد که طلب نجومی این مربی ایتالیایی را بپردازد و تنها کاری که کریمی و سایر اعضای کم‌شمار باقی‌مانده از هیأت مدیره استقلال در این فرایند انجام دادند، نظارت بر حسن اجرای پرداخت این پول و شاید هم تماشای صرف این پروسه بود. این در حالی بود که روند سخنگویی و انتقال این مسأله توسط کریمی به شنوندگان اظهاراتش به گونه‌ای بود که انگار او این پول را از جیب خودش داده یا این مبلغ فقط از طریق ارتباط برقرار کردن‌ها و همت شخصی وی حاصل آمده و به حساب استراماچونی واریز شده است. کریمی پس از آنکه به دفعات مدیران قبلی استقلال را به کم‌کاری و بی‌عدهی متهم کرد، در واپسین قسمت حرف‌هایش رو به دوربین کرد و از یک شرکت تولیدکننده گوشی‌های الکترونیکی به وضوح خواست که آنها هم پولی نجومی به استقلال بدهند تا سایر امور این باشگاه هم بگذرد (!) و استقلال (البته مثل پرسپولیس) و به رسم حسنه و همیشگی خویش با پول دیگران زندگی کند و خوش باشد. توگویی تأمین مخارج این باشگاه و درآمدزایی نه وظیفه این مدیران بلکه کاری مختص سایر نهادهاست و اگر چنین نکنند، مقصر و بانی ناکامی‌های عظیم این باشگاه تلقی خواهند شد. این در حالی است که تساهل و تاخیرهای کلان در پرداخت مطالبات مربیان و بازیکنان خارجی پیشین استقلال که سبب افزوده شدن جرایم دیرکرد به میبالغ اولیه هم می‌شود، تقصیر مستقیم مدیران همین باشگاه بوده و آنقدر دست روی دست گذاشته‌اند تا طرف‌های خارجی طلبکار باشکایت به فیفا و با اضافه شدن دائمی میبالغ بدهی باشگاه به آنها دمار از روزگار استقلال درآورند. قضاوت را به ورزش دوستان که کاملاً با شرایط و خواسته‌های بیش از حد سرخابی‌ها از این و آن آشنا هستند، می‌سپیریم اما این نکته مسلم است که هیچ باشگاهی با مدیرانی که صحیح‌ترین وصف پیرامون آنها یک ضرب‌المثل نغز و قدیمی ایرانی با مضمون «من آنم که رستم بود پهلوان» است، به جایی نمی‌رسند و بهتر است مفر تازه‌ای جسته و به مدیرانی کارآمدتر روی بیاورند.



جانی اینفانتینو

تقدیر از ایران

رئیس فیفا در سخنرانی خود در اجلاس کافا گفت: «جام جهانی قطر، تجربه مهم و استثنایی برای فوتبال در قاره آسیا بود. فکر می‌کنم تیم‌های آسیایی تا مدت‌ها می‌توانند از تجارب فنی مربوط به این مسابقات بهره‌مند شوند.» او ادامه داد: «من اکثر بازی‌ها را از نزدیک تماشا کردم. تیم ملی ایران هم مثل دور دوم جام جهانی قبل‌تر در این مسابقات حاضر بود و بازیکنان این تیم برای رسیدن به موفقیت جنگیدند. تلاش تیم ملی ایران قابل تقدیر بود.»



محمد رضا حیدریان

بازگشت به فوتسال

به منظور حضور تیم فوتسال دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور برای شرکت در مسابقات بین‌المللی روسیه (Yekaterinburg) محمد رضا حیدریان به عنوان سرمری تیم فوتسال دانشجویان انتخاب شد. در حکم هادی بشیریان رئیس فدراسیون دانشجویان دانشگاهی برای حیدریان آمده است: با توجه به تجارب و تخصص ارزنده جناب عالی، به موجب این حکم به سمت سرمری تیم فوتسال دانشجویان منصوب می‌شوید.



امیر قلعه نویی

لیگ زیر ذره بین

کادرفنی تیم ملی برای بررسی بازی‌های این هفته لیگ برتر در حال برنامه‌ریزی است و بزودی نظر نهایی خود را در این زمینه اعلام خواهد کرد. هرچند آخرین باری که خود سرمری تیم ملی با حضور در ورزشگاه نظاره‌گر یک بازی لیگ برتری بود به دیدار استقلال و هوادار در هفته بیست و ششم بازمی‌گردد با وجود این قلعه‌نویی از این هفته بار دیگر خودش در ورزشگاه‌ها حضور خواهد یافت و حتی به احتمال فراوان یکی از دو بازی تیم‌های تهرانی را تماشا می‌کند.

از این پس تمام ۳۰ هفته لیگ را همزمان برگزار کنید!

هیاهو سازی؛ روند حاکم بر فوتبال



ما سازمان لیگ را متهم به آن می‌کنند اما خودشان طراح و مجری آن هستند تا هرگونه ناکامی و شکست حرفه‌ای خود را به سایرین نسبت بدهند و به مردم است که ناگفته پیدا است حقیقت و عدالتی را نمی‌توان در آن جست. با چنین بساطی دور از ذهن نیست که تیم‌های همیشه پرمدعای ما در سال‌های آینده از سازمان لیگ بخوانند که تمامی ۳۰ هفته مسابقات لیگ را به طور همزمان برگزار کند تا از دید آنها بی‌عدالتی در حق تیم‌ها صورت نگیرد و با همگان به یک شکل برخورد شود! «توهم توطئه» احساس و رویکردی است که گاه در سایر امور و شئون غیرورزشی هم دیده شده و در جوامع مختلف وجود داشته و نمی‌توان آن را منکر شد اما اینکه برخی افراد و گروه‌ها آن را مطرح و عمده کنند تا ضعف‌ها و خلأهای شغلی و اجتماعی خودشان دیده نشود، یک کار ناپسند و مصداق واقعی‌تر توطئه‌چینی است.

«حاشیه» های پایان ناپذیر

این چیزی است که برخی باشگاه‌ها را برنمی‌انگیزد.

تعبیر دارد که چرا باشگاه‌ها این طور در هفته‌های اخیر چماق برداشته و بر سر سازمان لیگ و هر فرد مسئول پیش رو می‌کوبند و می‌پرسند چرا بازی‌های سران فوتبال را متهم به این می‌کنند که با یک برنامه‌ریزی حساب شده و پی‌ریزی پروسه‌ای جانبدارانه یک تیم خاص را قهرمان کرده و رقیبانش را زمین زده‌اند و اگر این توطئه در کار نبود، آنها به قهرمانی می‌رسیدند و به این ترتیب طرفداران ناراضی خود را توجیه و آرام و متقاعد می‌کنند که هیچ ضعف و قصوری از آنها سر زده و اگر هواداران به دنبال مقصر می‌گردند، آنان را در جمع مجریان مسابقات جست‌وجو کنند.

ارائه اطلاعات ناصحیح به مردم

البته هیچ کس مدعی نیست که فدراسیون بی‌عیب است و سازمان لیگ هم لغزش‌هایی در امر ساماندهی و ترسیم نحوه و زمان برگزاری مسابقات داشته اما اینکه تیم‌های مدعی قهرمانی یا در خطر سقوط هر لغزشی از جانب خود را به این دو نهاد نسبت

بر سر اینکه چرا بازی‌های هر سه هفته پایانی لیگ برتر فوتبال کشور به طور همزمان برگزار نمی‌شوند چنان جنجالی برپا شده که نگو و نپرس. باران اتهام‌زنی و روند منتسب کردن سازمان لیگ به این باشگاه و آن باشگاه است که از زمین و زمان می‌بارد و بدیهی است که این پروسه توسط سه باشگاهی صورت پذیرد که برای قهرمانی می‌جنگند و البته سه-چهار تیمی هم که خطر سقوط به دسته‌ای پایین‌تر تهدیدشان می‌کند، کم بیایه نداده و به فدراسیون فوتبال کم انگ زده‌اند.

همه درخواست‌های افراطی فوق در شرایطی صورت می‌پذیرد که در انگلیس که قدیمی‌ترین و منظم‌ترین لیگ دنیا را دارد. فقط مسابقات آخرین هفته به طور همزمان انجام می‌پذیرد و در «سری A» ایتالیا نیز همین‌طور و دیدارهای همزمان در بوندس‌لیگای آلمان حداکثر در دو هفته پایانی صورت می‌گیرد. در لیگ برتر ایران هم رسم سال‌های اخیر این بوده که فقط مسابقه‌های دو هفته پایانی به طور همزمان انجام شود و در نتیجه جای

تلاش برای برقراری عدالت کار خوبی است اما هیاهو برپا کردن از سوی باشگاه‌هایی که در زمین مسابقات کم آورده و به نتایج مورد نیاز برای قهرمانی یا ابقا در لیگ نرسیده‌اند، فقط ایجاد جنجال کاذب به قصد پنهان کردن ایرادات تشکیلاتی این باشگاه‌ها و لغزش‌های فنی آنان است

نقل قول

سهیل مهدی: نه باشگاهی تهدید کرده و نه باشگاهی قهر کرده

مانند پارسال نزدیک هم نیستند. در برخی سال‌ها شاید به خاطر تفاضل گل قهرمان عوض می‌شد. امیدوارم رقابت‌های پیش رو بازی‌های خوبی باشد و ما هم به‌عنوان برگزارکننده شرایط خوبی رقم بزنیم.» مسئول کمیته برگزاری مسابقات سازمان لیگ در رابطه با اینکه آیا تهدید پرسپولیس در برگزاری مسابقات دو هفته پایانی به‌صورت همزمان مؤثر بوده یا خیر این‌طور صحبت کرد: «ما به باشگاه‌ها نزدیک هستیم. نظرات همه باشگاه‌ها را

آمده و اینکه چند تیم در گزینه سقوط هستند سه هفته پایانی لیگ بازی‌ها همزمان باشند. قنبرزاده هم براساس آن شرایط توضیحات را ارائه دادند و گزینه خود و یکی از اعضای کارگروه است. نهایتاً ما پیشنهاد دادیم که به سمتی برویم که هرگونه نیازی که بحث مساوات را رعایت کند اجرا شود اما بنا به شرایط این تصمیم گرفته شد.» مهدی ادامه داد: «شرایط در پایین و بالای جدول به صورتی است که رقابت بین چند تیم محدود است و

سهیل مهدی درباره برگزاری مسابقات دو هفته پایانی لیگ برتر فوتبال گفت: «با توجه به اینکه برنامه از قبل اعلام شده بود، طبق آیین‌نامه مسابقات بازی‌ها را برگزار می‌کنیم. با توجه به اینکه برخی مسابقات در سقوط و کسب سهمیه تأثیر داشت، همین جایی صورت گرفت. همین شرایط باعث شد درخواست‌هایی پیش بیاید. در همین راستا کمیسیون عالی نظارت و برنامه‌ریزی مسابقات در ۳ هفته پایانی پیشنهادی تنظیم و به مراجع نظارتی و گروه‌هایی که

